

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

آیا یانکی‌ها افغانستان را به تاریخ می‌سپارند؟ موضعگیری کشورهای منطقه در قبال نظامیان خارجی ناتواصل خروج نظامیان امریکایی از کشور ما

زمینه‌های سیاسی حضور کشورهای منطقه در افغانستان
دلایل خروج نظامیان امریکایی از کشور ما
امریکایی‌ها ندیدند که چه می‌کردند
"طالب"ها در صدد چه می‌باشند؟

کشورهای غرب آسیا به حکم جغرافیایی، محکوم به همزیستی با یکدیگرند. با چنین وضعیتی، تلاش بمنظور هژمونی در سطح جهانی یا منطقه‌یی بی‌حاصل و خطرآفرین می‌باشد. منطقه غرب آسیا در یکی از دشوارترین دوره‌های تاریخی‌اش قرار دارد. جریان افراط‌گرایی و خشونت‌طلبی که منطقه ما را دستخوش یکی از خطرناکترین و خساره‌بارترین ادوار تاریخی‌اش نموده بود، رو بزوال نهاده است. "داعش" بمثابة دهشتناکترین نماینده این جریان از نقطه نظر نظامی سرکوب و خلافت خود خوانده و جعلی‌اش نابود گردیده و نظارتش بر قلمرو وسیعی که از راه خشونت بیحد و حصر و ایجاد رعب ترس بوجود آمده بود، از میان رفته است. مردم و دولت افغانستان طی سالیان متمادی، بگونه شجاعانه، علیه این گروه‌ها، بویژه "داعش" مقاومت کرده و به پیروزی‌های مهمی دست یافتند.

در آغاز بمنظور وضاحت بیشتر، اندکی به گذشته‌های نزدیک برگشته و صحبت‌های دونالد ترامپ را در مورد فراخواندن مرحله واروکاستن تدریجی نظامیان ایالات متحده از افغانستان بخاطر می‌آوریم. نامبرده بگونه مکرر از عودت نظامیان آن کشور از سرزمین و اراضی کشور ما بگونه تدریجی و مرحله به مرحله سخن گفت. بسیاری‌ها، تکوین چنین وضعیتی را سبب ساز مشکلات بیشماری برای روسیه می‌پندارند. اما ناظران و دست‌اندرکاران نظامی و حربی باین عقیده می‌باشند که پیشبینی‌های یادشده اصلن فاقد محتوا بوده و در زمینه، از مذاکرات و ملاقات‌های طولانی مدت نماینده‌های دولت روسیه با "طالب"ها یادآوری بعمل آورده و همچنان در چهارچوب کشورهای همسود از ایجاد سیستم امنیت جمعی، عمدتن بمنظور دفاع و حفاظت مطمئن "زیربنای نرم روسیه" نیز خبر می‌دهند.

بسیاری‌ها معتقدند که فدراتیف روسیه، چگونگی عملکردهایش در افریقا و بویژه در خاورمیانه را بدلیل محافظت و تقویت مرزهای جنوبی آن کشور، مورد بازنگری قرار داده است. اظهارات وزیر دفاع روسیه مبنی بر فعال‌گردیدن جنگجویان "داعش" در آسیای مرکزی، بگونه مستقیمی، از جمله تهدیدات موجود بر ضد منافع فدراتیف روسیه پنداشته می‌شود. نامبرده ادامه داده افزود که مسکو اقدامات لازم و تدابیر مشخصی را بمنظور خنثا نمودن هر نوع تهدید و شانناژ اتخاذ نموده و در صدد آنست تا ترکیب نظامی منطقه آسیای مرکزی را بهبود بخشد.

اما در مورد نبردها و موجودیت شورشگری در کشور چین سروصداهایی نیز بگوش میرسد که گویا قدرت و توانایی "طالب"ها و تسلط و حاکمیت آنها بر بخش‌هایی از اراضی کشور ما و وسیع‌تر و قوی‌تر از گذشته‌ها پنداشته میشود.

در طول مدت زمان تاریخ، در کشور ما این واقعیت عملی با ثبات رسیده هر نیرو و قدرتی که سلاح بردست بمنظور تسلط بر سرزمین و اراضی کشور ما، بر قلمرو آن پا گذاشته، شاهد شکست و ریخت هایی شده و در بسیاری از حالات با نیستی و نابودی مواجه گردیده اند. قابل یاددهانی پنداشته می شود که دونالد ترامپ وعده های چهار سال قبل در مبارزات انتخابات ریاست جمهوری کشورش را با فراخواندن ۴ هزار تن از مجموعه ۱۲ هزار نظامیان موجود آن کشور در افغانستان، عملی نمود. اقدام یادشده، بمنظور کاهش در هزینه های نظامی و جنگی آن کشور در افغانستان عنوان گردید، اما در عمل و بگونه کلی اصلن تغییری در وضعیت عمومی کشور رونما نگردیده و کشور و وطن ما در وضعیتی قرار گرفت که تشابهاتی با شرایط و وضعیت قبل از فرود آمدن قوت های ائتلاف بهم می رساند. اما نباید فراموش نمود که دونالد ترامپ در پی آن میباشد که در کنار فرستادن هزاران امریکایی کشته شده در افغانستان، باز هم در جامعه امریکایی امتیاز کسب نماید.

چنین تصویری گردد که در شرایط و وضعیت کنونی، اختلافاتی میان پنتاگون و کاخ سپید عملی موجود میباشد. بدلیل اینکه پنتاگون چنین می پندارد که فراخواندن و عودت نظامیان ایالات متحده از اراضی افغانستان، در شرایط و اوضاع و احوال کنونی لازمی بنظر نرسیده، بلکه حتی تقویت روز افزون آنها نیز در دستور کار باید قرار داده شود. کارشناسان نظامی معتقد می باشند که وضعیت کنونی در افغانستان باید بگونه نهایت دقیق مورد بررسی قرار داده شود.

عده ای هم مدعی می گردند که اظهارات متذکره از واقعیت های موجود در کشور ما نهایت بعید بنظر می رسد. طرح ها و ابراز نظر های اینچینی، اصلن از طبیعت و ماهیت مناسبات و ارتباطات میان روسیه و "طالب" ها و از چگونگی وضعیت در مرز های جنوبی فدراتیف روسیه و مهمتر از همه، از ملاقات ها و گفتگوهای چندین ساله روسیه با "طالب" ها و پشتیبانی جانب روسیه از تقاضاهای "طالب" ها اصلن آگاه نمی باشند.

مسئله ای که از عوامل تحریک آمیز و گمراه کننده ناشی میگردد، از جمله یکی هم این تصور و تفکر می باشد که بمجرد خروج قوت های نظامی و جنگی ایالات متحده از کشور ما، "طالب" ها به مرز های جنوبی روسیه بازخواهند گشت. در اوضاع کنونی، آیا می توان عدم تمایل در امر تقابل و رویارویی با روسیه را مشاهده نمود؟ بسیار می باشد. چنین می پندارند که "طالب" ها در گُل، با موضعگیری و موقف روسیه در مورد کشور ما در زمینه ایجاد دولتی در افغانستان موافقت که به برگشت تمامی قوت های نظامی خارجی از افغانستان انجامیده و بدور از موجودیت و حضور قوت های یادشده، حاکمیت سیاسی در کشور پایه گذاری گردیده و استحکام یابد.

اظهارات و گفته های این تحلیلگران بگونه ای بمفهوم ریختن آب با سیاب آنعده از امریکایی هایی محسوب می گردد که در واقعیت امر، خواهان خروج نظامیان امریکایی از افغانستان و طرفدار ترک کامل کشور ما نبوده و بگونه دوامداری در صدد متقاعد نمودن دونالد ترامپ بمنظور حضور دوامدار در سرزمین کشور ما می باشند. چه بگفته آنها اراضی افغانستان سرشار از منابع طبیعی مفید و ارزشمند بوده و بمنظور استفاده و بهره برداری از آنهمه منابع موجود و اخذ موقعیت در بخشی از مهمترین منطقه جهان (افغانستان)، ایالات متحده و هم پیمانانش با اهداف ستراتیژیک شان نایل خواهند گردید.

این افراد در تلاش اند تا بیش از پیش با تعمیم و وسعت بخشیدن اظهارات گنگ شان و بنشر سپردن اعلامیه های پی اندرپی، چنین وانمود نمایند که آنها از وضعیت کنونی کشور و سیر بعدی حوادث و چگونگی وضعیت، هراسی نداشته و در طول مدت زمان سپری شده، چه با حاکمیت سیاسی جمهوری اسلامی افغانستان و چه با "طالب" ها ارتباط و مناسبات بالمقابل و دوجانبه داشته و چنین می پندارند که مفکوره استفاده از روسیه در مسایل مربوط با افغانستان تنها و صرف محصول مغز های آشفته و مریض محسوب می گردد. آنها بخوبی می دانند که حتابدون موجودیت قوت های نظامی کشورهای دیگر در مرزها و یا در مجاورت با مرز های کشور ما، از توان نظارت او ضاع برخوردار بوده و بکمک نیرو های ستراتیژیک موجود، معضلات پیش آمده را حل و فصل نمایند.

بگونه مکرر یادآوری بعمل می آید که باید بگونه مشترکی در جهت احیای ثبات و تحکیم امنیت سراسری در کشور و جهد نموده تا وضعیت بحالت عادی برگشته و نه تنها در سرزمین کشور عزیز ما، بلکه در سراسر منطقه و جهان، اصل امنیت تأمین گردیده و زمینه های مداخله و تجاوز های آشکار و نهان خارجی ها در امور داخلی افغانستان عزیز ما قطع و در نطفه خنثا گردد.

باجرات می توان اظهار نمود که در نهایت امر، در کشور عزیز ما باید اصل تفاهم و کنار آمدن ها مطرح گردیده، حاکمیت سیاسی در کشور با شرکت و سهمگیری کلیه نیرو های مطرح کشور پایه گذاری گردیده و در نهایت، به

جنگ و برادرکشی در سرزمین بلاکشیده افغانستان نقطه پایان گذاشته شود که با احتمال اغلب چنین خواهد شد. با اندکی دقت در مسایل مورد بحث در کشور عزیز بایست یادآور شد که سرزمین ما افغان ها در آستانه تکوین و اقیانوس های جدیدی قرار دارد. اینک چندین دهه است که جنگ و درگیری های نظامی و راه اندازی عملیات های جنگی در سرزمین کشور ما همچنان شعله ور بوده و از افغان ها و بویژه از افراد ملکی قربانی می گیرد. بخاطر می آوریم که ایالات متحده، بزودی پس از حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، با نیروها و نظامیان تاندان مسلح به سرزمین کشور ما از هوا و زمین به لشکرگشایی آغاز نمود. پس از سه سال، تعداد مجموعی ۱۲۰ هزار تن نظامیان آن کشور در اراضی افغانستان، به ۱۳ هزار تن کاهش حاصل نمود. اما با وجود این همه، امریکایی ها، هزاران تن از نظامیان کشورهای هم پیمان در ناتو را در کنارشان دارند.

"طالب"ها توسط قوت های نظامی ایالات متحده در ظاهر امر به شکست مواجه گردیده اما بگونه تدریجی و آرام آرام با جمع و جور نمودن و سازماندهی مجدد نیروهای شان، علیه قوت های خارجی و نیروهای دفاعی و امنیتی کشور به مقاومت ادامه داده و همچنان بخش هایی از اراضی کشور را تحت اداره و نظارت شان قرار دادند. در واشنگتن چنین روحیه ای حاکم گردید که با جنگ نباید بازی کرد، بلکه باید چهره آن را دگرگون جلوه داد. در حدود دو سال قبل، امریکایی ها در صدد مذاکرات و ملاقات های مستقیم با رهبری "طالب"ها گردیدند که پس از ۹ دور مذاکرات و ملاقات ها موفق به طرح مؤافقتنامه صلح گردیده و اما امضای آن بدلیل انجام اقدامات تروریستی در کابل و کشته شدن یک تن از نظامیان امریکایی، به تعویق افتاده و مذاکرات یادشده توسط دونالد ترامپ بیش از این مرده محسوب گردید.

در نهایت امر، طی ماه دلو سال پار، در دوحه در حالی که نماینده ویژه روسیه در امور کشور ما و سرمنشی ناتو نیز حضور داشتند، نماینده ویژه ایالات متحده برای افغانستان و نماینده ارشد "طالب"ها مؤافقتنامه ای را امضا نمودند که مطابق آن ۱۴ ماه پس از امضای آن، در نخستین مرحله و در امتداد ۱۳۵ روز، تعداد مجموعی نظامیان امریکایی در کشور ما باید به ۸ هزار تن کاهش یابد. در مقابل، "طالب"ها نیز تعهد ورزیدند تا بهیچ نیرو و گروه تروریستی اجازه فعالیت و انجام اقدامات دهشت افکنانه را علیه منافع ایالات متحده و هم پیمانان آن کشور ندهد و در قول خویش صادق می باشند. مطابق بندهای توافقنامه ذکر شده، ایالات متحده در امور داخلی کشور ما مداخله ننموده، دولت افغانستان به رهایی ۵ هزار تن از جنگجویان "طالب" و جانب "طالب"ها نیز آزادی یکپارچه از نظامیان افغان که نزد آنها زندانی می باشند، توافق بعمل آوردند.

همزمان با آن، دونالد ترامپ وعده سپرد که در صورت اتفاق "وضعیت نامطلوب"، ایالات متحده بسرعت با افغانستان بر خواهد گشت. در عین حال، وزیر دفاع ایالات متحده و منشی عمومی ناتو به اشرف غنی پیشنهاد شرکت در مراسم عقد پیمان با "طالب"ها را نمودند. توافق غنی بگونه کلی به صدور اعلامیه مشترکی خلاصه گردید. به عقیده بسیاری از کارشناسان، توافقنامه یادشده با عجله و شتاب آماده گردیده و با مضامین رسید. دونالد ترامپ با چنین اقدامش و همچنان با وعده عودت نظامیان آن کشور از افغانستان و سوریه در نظر دارد تا به مؤافقت های در کارزار های انتخابات ریاست جمهوری پیش رو در آن کشور دست یابد. علاوه بر آن، توافق و تعامل یادشده، ایالات متحده را به سرنوشت حاکمیت کنونی افغانستان دچار خواهد نمود. فاکت های موجود نشان دهنده این حقیقت می باشد که اصل حصول توافق یادشده مملو از مشکلات بی شماری بوده که عواقب آن بزودی آشکار خواهد گردید. در این میان، مبادله اسرا و افراد در بند طرف ها که در توافقنامه یادشده پیش بینی گردیده بود، نیز آغاز گردیده اما موجودیت اختلاف نظرها در مجموعه رهبری سیاسی کشور، روند یادشده را بگونه جدی با پیچیدگی هایی مواجه نمود. جنجال های انتخاباتی سال پارمنتج به برگزاری دو محفل، توسط غنی و عبدالله در محل گردیده و هر کدام آنها بنوبه خویش، مراسم حلف وفاداری را انجام دادند. اینهمه دو روز پس از آن اتفاق افتاد که وزیر امور خارجه ایالات متحده اظهار نمود که شاهد پیشرفتهایی جهت دستیابی به صلح و امنیت در افغانستان بوده و اظهار امیدواری نمود تا هرچه زودتر اختلافات سلیقه یی میان غنی و عبدالله رفع گردد. در چنین وضعیت، برخی از از ولایت های کشور، غنی و بخشی از ولایت های کشور نیز عبدالله را بمثابه رئیس جمهور کشور پنداشتند. مقام های رسمی در کابل بدلائل قابل فهمی ناراضیاتی شانرا از ملاقات و گفتگو های ایالات متحده با "طالب"ها ابراز نمودند. علاوه بر آن، یک روز پس از امضای توافقنامه امریکا - "طالب"، غنی در مورد رهایی زندانیان اعلام نمود که موضوع فوق میتواند بمثابه بخشی از مذاکرات میان افغانی را تشکیل داده و هیچگونه شرطی در مورد، پذیرفتنی نمی باشد. نامبرده همچنان گفت که اصل رهایی زندانیان، نه از صلاحیت های ایالات متحده، بلکه جز اختیارات

و صلاحیت های دولت افغانستان محسوب می گردد. اما با این حال، نامبرده بعدن بامررهایی زندانیان مؤافقت نمود.

نباید فراموش نمود که در وضعیت عمومی کشور بمفهوم عام کلمه، بهبودی رونما نگردید. طی ماه حوت سال پار، چند ساعت پس از یادآوری با افتخاردونالد ترامپ از گفتگوهای سازنده با "طالب" ها، برمواضع نیروهای دولتی توسط جنگجویان گروه اخیرالذکر، حملاتی انجام پذیرفت و اما توسط هواپیماهای نظامی ایالات متحده نیز درپا سخ به یورش های یادشده، مناطق و محلات تجمع جنگجویان مورد حملات هوایی قرار داده شد. درواشننگتن، حمله یادشده را بمثابه عمل متقابل دفاع از خود و متحدین خود محسوب نموده و طرف مقابل به نقض توافق ها و معامله های بدست آمده متهم گردید. جنگجویان بنوبه خویش اظهارنمودند که آنها با ایالات متحده قرار گذاشتند تا برمواضع یکدیگر حمله ننموه اما مبارزه و اقدامات جنگی آنها علیه نیروهای نظامی و دولتی افغان همچنان ادامه خواهد نمود. چه با نیروهای دولتی افغانستان هیچگونه قرارومداری مبنی بر قطع آتش و توقف یا کاهش خشونت ها بعمل نیآورده و درزمینه، متعهد به حفظ صلح نیز نمی باشند.

سه روز پس از آن، مایک پامپیو، در صورت عدم تأیید معامله های ایالات متحده با "طالب" ها توسط غنی، نامبر ده را به عودت کامل نظامی های امریکایی از کشور ما تهدید نمود. بعدها وزیر امور خارجه ایالات متحده، باین منظور در صدد تدویر مذاکرات و تشکیل دولت فراگیر و کاستن یک میلیارد دالر از کمک های وعده داده شده به جانب دولت افغانستان خبر داد. تبادل زندانیان آغاز گردیده، اما جانب "طالب" ها، عدم مؤافقت شان را با فهرست اعضای مذاکره کننده دولت افغانستان، ابراز نمودند.

ریشه تمامی مسایل گفته آمده و معضلات موجود بمفهوم عام کلمه در عدم پذیرش و جاهت قانونی و تحت سؤال قرار دادن صلاحیتهای حقوقی دولت افغانستان نهفته می باشد. دوسال قبل، غنی به مخالفان مسلح پیشنهاد نمود تا مذاکرات بمنظور حل و فصل قضایای موجود را آغاز نموده و حتا آمادگی اش را بمنظور پذیرفتن "طالب" ها بمثابه نیروی سیاسی در کشور اعلام نموده اما طرح یادشده مورد پذیرش و تأیید جانب مقابل قرار نگرفت.

حاکمیت سیاسی کنونی کشور، ممکن باین واقعیت معترف باشد که در صورت تداوم وضعیت کنونی و بدون حضور و موجودیت یانکی ها، در چشم انداز سیاسی کشور، از جایگاه و مؤقف ضعیف و نهایت کوچکی برخوردار خواهد گردید. "طالب" ها نیز بواقعیت یادشده پی برده و در امور مربوطه و چگونگی اقدامات در مورد، عجله ننمو ده و بمنظور رفع خلای نظامی - سیاسی احتمالی پس از خروج قوت های ائتلاف غربی از کشور نیز از آمادگی هایی برخوردار می باشند. برای آنها فرصت های مناسبی وجود دارد تا در کنار سایرین و بمثابه نیروی سیاسی در مجموعه جامعه افغانی وارد حیات اجتماعی - سیاسی کشور گردند. علاوه بر آن، قبل از همه آنها در عرصه بین المللی نیز از دستاوردهایی برخوردار گردیدند، ایالات متحده با گروه یادشده بمثابه "امارت اسلامی" وارد مذاکره و گفتگو شده که قبل از آن، اداره و اشننگتن اصلن با عده ای از آدرس "امارت" یادشده، مخالفت نموده بود. باید متذکر گردید که ضرورت اصلاح در تمامی شوؤن حیات اجتماعی - سیاسی کشور ما عملن احساس می گر دد. در روزهای پایانی سال پار، در کوئته پاکستان، حمله خونینی در گرد همایی شرکت کننده های شورای نظا می "طالب" ها که در آن اعضای رهبری "طالب" های افغان نیز سهم ورزیده بودند، انجام پذیرفت.

مطابق اطلاعات داده شده و اخبار بنشر رسیده در مورد، مجری اقدام یادشده "دولت اسلامی" (داعش) بود. یک روز پس از آن، پایگاه هوایی ناتو در ولایت پروان مورد حملات راکتی قرار داده شد. به گزارش آژانس رویترز مسوؤلیت حملات یادشده را گروه تروریستی یادشده بر عهده گرفتند. در اینمورد باید پرسید در حالی که دولت افغانستان و "طالب" ها با هم مصروف و مشغول می باشند، چگونه و به چه نحوه ای داعش می تواند کم و بیش بگونه آزادانه در درگیری های کشور ما شرکت ورزیده کاین خود بمفهوم ضدیت و مخالفت با اصل تأمین امنیت در کشور بوده و بمثابه این واقعیت محسوب می گردد که گروه یادشده به استقرار صلح و امنیت در کشور اصلن نیازی احساس نمی نماید.

در عین زمان، بسیاری از کارشناسان چنین میبندارند که حملات اینچنینی بر رهبری و هدایت سازمان استخبارات داخلی پاکستان طراح و توسط اعضا و فعالین "حزب جنگ" و "طالب" ها اجرا می گردد. همچنان، این فرض نیز موجود می باشد که مناسبات و روابط میان دو کشور افغانستان و پاکستان بویژه طی دهه های پسین را می توان بمثابه توازن در آستانه درگیری محسوب نمود. حاکمیت سیاسی کشور، اسلام آباد را به حمایه از "طالب" ها و عدم تمایل آن کشور بحل و فصل منازعات مرزی میان دو کشور متهم می نماید. طی سال قبل، غنی اظهار

نمود که "کلید جنگ" افغانستان نزد پاکستان موجود می باشد. اما چندی قبل، طرح نخست وزیر پاکستان مبنی بر ایجاد و برپایی حکومت مؤقت در افغانستان، بمثابه مداخله صریح در امور داخلی کشور ما پنداشته شده و با اعتراض شدید جانب افغانی مواجه گردیده و سفیر افغانستان در پاکستان به کشور فراخوانده شد. از رهگذر ژئوپولیتیک، فراز آمدن "طالب"ها به قدرت، ممکن بمثابه گشودن چشم انداز نفس گیر برای اسلام آباد تلقی گردد.

در انکشاف حوادث بگونه کنونی آن، از نقش و تأثیرگذاری ایران نیز نباید چشم پوشی بعمل آید. ایران علاقمند و طرفدار عودت کامل نظامیان امریکایی از کشور ما میباشد. دیپلمات های غربی بگونه همیشگی ایران را به منظور پشتیبانی مادی و معنوی از "طالب"ها متهم می نمایند. اما ایران هیچگاهی اتهامات اینچینی را نپذیرفته و بگونه حداقل هم اگر شده، با حاکمیت سیاسی کشور ما احساس همدردی می نماید. دشمن دشمن من ... علاوه بر آن، تهران بگونه کاملی از ملیت هزاره و بویژه از شاخه برادران شیعه در کشور ما پشتیبانی همه جانبه بعمل آورده و با اقدامات اینچینی در صدد دفاع از منافع ایران و وسعت دامنه تأثیرگذاری اش در افغانستان می باشد. نباید فراموش نمود که در سیاست خارجی ایران، از اصل الگوی "شیعه"، بگونه فعالانه ای بمثابه اندیشه و ایده نزدیکی و همنوایی قانونی فارسی زبان های کشور ما استفاده ابزاری بعمل می آید. رجب طیب اردغان، رئیس جمهور ترکیه آمادگی کشورش را در امر استفاده و بکارگیری کلیه امکانات موجود بمنظور انجام مبارزه علیه "داعش" در کشور ما ابراز نمود. واضع است که در پی موضعگیری مساعد دولت افغانستان در مورد یادشده، کشور ترکیه از از یک ها، ترکمن ها و قرغیزها بگونه وسیعی پشتیبانی بعمل خواهد آورد. نباید فراموش نمود که از انجام هر اقدامی به هدف سازماندهی و آغاز گفتگوهای میان افغانی باید بگونه بیدریغی پشتیبانی بعمل آید.

با تشکیل و ایجاد دولت فراگیر که در برگیرنده کلیه ملیت ها، اقوام، قبایل و همه گروهها و قشرهای موجود اتنیکی - نژادی بوده و همه همشهریان کشور در آئینه قدنمای آن خویش را مشاهده نمایند، می توان بحل و فصل حقوقی بخشی از معضلات موجود موفق گردید.

بیشتر از این، باید به رنج های بیکران مردم بلاکشیده کشور نقطه پایان گذاشته شود. قابل یادآوری پنداشته می شود که بیشترین بخش اشتباهاتی که سبب ایجاد بن بست کنونی در اوضاع کنونی کشور ما گردید، بانهایی ارتباط می گیرد که قبل از همه و بیش از دیگران به واشنگتن اعتماد دارند. نباید فراموش خاطر ما گردد که بویژه در شکل گیری اوضاع نابسامان پس از انتخابات پشین ریاست جمهوری کشور، نقش ایالات متحده با شرکت نماینده های آن کشور در مراسم تحلیف اشرف غنی، بیش از پیش برجسته گردید.

کشور عزیز ما افغانستان، بگونه نسبی همیشه مستقل بوده و بمثابه کشور مستقل، همچنان باید به موجودیتش در این بخش آسیای مرکزی ادامه دهد. بقای افغانستان در یگانگی و وحدت همشهریان آن نهفته می باشد.

یکشنبه ۱۱ ماه جوزای سال ۱۳۹۹ خورشیدی